



شهادتین زیر باران مهب

گپ و گفتی با جانباز «حسن جان
کریمی» که کاشانه اش زیر مہباران
زیر و رو شد

عسکری

روزهایی بشنویم که هواپیماهای رژیم صدام نه در خط مقدم که در گوشه و کنار شهرها و محلات مسکونی کاشانه‌های مهربان مردمان این سرزمین را به تلی از آهن و خاک تبدیل می‌کردند و داغ بر داغ می‌افزودند.

از او می‌خواهم از خاطره داغی که دوباره برایش تازه شده بیرون بیاید و ما را به خاطره اولین روزهایی ببرد که به ایران آمد. او هم سر رشته حرف را باز می‌کند و می‌گوید: سال ۵۷ بود که به ایران آمدم. آشوب در افغانستان شروع شده بود اما کمونیست‌ها هنوز از راه نرسیده بودند. «داوود خان» رئیس جمهور آن زمان افغانستان هم کشته شده بود. دست خانواده ام را گرفتم و قاچاقی به ایران آمدم و مستقیم راهی قم شدم.

او ادامه می‌دهد: روزی که آمدم اربعین بود. شاه ایران هنوز نرفته بود. صف‌های نفت طولانی بود و زمستان سختی آغاز شده بود. به «دُرّه شهر» رفتم و در یک مرغداری به عنوان کارگر مشغول به کار شدم. یک سال بعد برای مدت کوتاهی به کرج رفتم اما دوباره برگشتم و در قم ماندگار شدم. آمده بودم

بند به بند می‌زدیم، تار می‌زدیم و پود می‌بافتم و با نقش‌های دشت و فرار آهو راج به راج پیش می‌رفتیم. صدای زمزمه و تکرار نقش‌های قالی میان من، همسر و دخترم گوش به گوش شنیده می‌شد و آوای دل انگیزی میان ما ساخته بود. میان نگاه‌های همسر و لیخند دخترم حس زندگی زیر پوستم دویده بود و گاهی نگاه هایمان روی تخته چوبی دار قالی به هم گره می‌خورد. سرعت را برای سرعت گرفتن از دخترم زیاد کرده بودم اما انگار چاقو و ابزار قالی بافی توی دستش می‌رقصید، از بس که ماهرانه گره می‌زد، درست مثل آهوی تیزپایی که نقشش را به قالی می‌زدیم و فلک هم به گردش نمی‌رسید. اما دریغ که دلخوشی‌های عاشقانه‌ای که اسیرم کرده بود، با صدای خانمان سوز بمبی که بر سرمان فرو ریخت تمام شد. دختر و پسر خردسالم کشته شدند. همسر به شدت زخمی و نقص عضو شد. من هم هیچ نفهمیدم و از هوش رفتم.

اش را خیلی بیشتر از ۷۲ سال فعلی نشان می‌دهد. برای یادآوری داستان تلخی که حالا ۲۵ درصد جانبازی برایش به یادگار گذاشته، ما را به دور همی ساده‌ای میهمان می‌کند تا برای ساعتی از

بعد از گذشت ۲۹ سال از آن روزها، هنوز هم یادآوری آنچه بر «حسن جان کریمی» گذشته، خاطرش را آزرده می‌کند، آنقدر که صورت چروکیده اش را بیشتر در هم فرو می‌برد و مشخصات سجلی